

بررسی تأثیر اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی بر درونمایه و صورت‌بندی عزاداری محرم: بررسی موردی محرم سال ۱۳۴۲

سید مصطفی حسینی*

خشایار قاضی‌زاده**

مرتضی اسدی***

چکیده

تأثیرات اندیشه‌ی سیاسی مبارزه‌ای امام خمینی بر مراسم عزاداری محرم کمتر با توجه به خود مفهوم عزاداری مورد بررسی قرار گرفته است و بیشتر با نگرشی سیاسی تحلیل شده است. در پژوهش حاضر، ضمن تبیین اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی در شروع حرکت مبارزه‌ای خود (خرداد ۴۲)، نوع تأثیر این اندیشه در درونمایه و صورت‌بندی گونه‌های مختلف عزاداری در محرم سال ۴۲ مورد بررسی قرار گرفت. روش پژوهش از گونه مطالعه تاریخی - تطبیقی تفسیرگرا بود که مبتنی بر رهیافت‌های کیفی و مطالعه عمیق و همه‌جانبه‌ی تعداد محدودی از موارد استوار گردید. در یافته‌های پژوهش در زمینه‌ی درونمایه مشخص شد که استعاره‌ی «شاه، یزید زمان است» به عنوان کلیدی‌ترین مفهوم در مراسم عزاداری ارائه شده است. در زمینه‌ی صورت‌بندی نیز تغییرات در چهار دسته مورد

^۱ این مقاله مستخرج از رساله مقطع دکتری رشته تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی با عنوان «مقایسه رابطه میان آیین‌های نمایشی سوگوارانه مذهبی و اندیشه سیاسی غالب شیعه در ایران (از ابتدای قاجار تا نهضت مشروطه و از نهضت مشروطه تا پایان رژیم پهلوی)» است.

* (نویسنده مسئول) دانشجوی دکتری تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی mostafa.hosseini@gmail.com

ghazizadeh@shahed.ac.ir

mortezaasadi@shahed.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۷/۴/۹

** استادیار دانشکده هنر دانشگاه شاهد

*** استادیار دانشکده هنر دانشگاه شاهد

تاریخ دریافت: ۹۷/۳/۲۱

بررسی قرار گرفت. در پایان ضمن تأیید پرسش اصلی پژوهش مبنی بر تأثیر اندیشه‌ی سیاسی بر مراسم عزاداری، مشخص شد که تغییرات مذکور در صورت‌بندی به هیچ عنوان به معنای عاری شدن عزاداری از ذات «عزادارانه» ی خود نبوده است.

واژگان کلیدی

امام خمینی؛ اندیشه‌ی سیاسی؛ خرداد ۴۲؛ محرم؛ عزاداری.

مقدمه

مذهب تشیع به عنوان یکی از مذاهب اسلامی تقریباً همزمان با ظهور اسلام ایجاد شد. (مظفر ۱۳۶۸، ۳۴) ادعای اصلی پیروان این مذهب حقانیت جانشینی حضرت علی (ع) بعد از حضرت محمد (ص) بود که به باور پیروان تشیع، پیامبر در واقعه‌ی غدیر خم در سال آخر حیات خود این موضوع را علناً اعلام کرده بود. همچنین یکی از عناصر کلیدی در ادامه‌ی حیات تشیع وجود عالمان دینی بوده که وظیفه‌ی انتقال و گسترش آموزه‌های ائمه‌ی شیعه را به پیروان بر عهده داشته‌اند. نقش عالمان دینی و تأثیرگذاری آنان بر جامعه در طی دوره بالیده شدن مذهب رو به تزاید بوده است. (مطهری بی‌تا، ۵۸ - ۵۹) در این زمینه دوره‌ی صفوی اهمیت بسزایی دارد و به دلیل همکاری خاصی که میان علمای شیعه و شاهان صفوی ایجاد گردید، نقش علما در اداره‌ی جامعه پررنگ‌تر شد. (نقیب زاده ۱۳۸۲، ۴۷) یکی از مهم‌ترین عواملی که می‌توان در بررسی نقش و جایگاه روحانیان در جامعه به آن توجه کرد، مفهوم اندیشه سیاسی شیعه است. به واقع سیاست، با توجه به محتوای آموزه‌های اسلامی و به طور خاص شیعی هیچ‌گاه در مذهب شیعه مغفول نبوده است. (حکیمی بی‌تا، ۵۵ - ۵۶) به طور خاص ظهور امام خمینی به عنوان مرجع دینی نقطه‌ی عطفی در اندیشه‌ی سیاسی شیعه محسوب می‌شود که دوره‌های پیشین را به دوره‌ای یک سره نوین متصل می‌کند. (الگار ۱۳۶۰، ۳۶) امام خمینی در اندیشه‌ی سیاسی خود تقابل شدید و مبارزه با رژیم حاکم را در دستور کار قرار داد که پیش از آن سابقه نداشت. بنابراین اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی پس از دوره‌های تاریخی الف: شورش‌ها و قیام‌های پراکنده، (فلاحی ۱۳۹۳، ۲۱ - ۳۰) ب: همکاری با سلطان عادل، ج: اختلاف-نظر و نهضت‌های مقطعی (نظیر تنباکو) و د: مشروطه‌خواهی، دوره‌ی جدیدی را پدید آورد که در آن مبارزه‌ی منسجم و گسترده علیه رژیم حاکم در جهت حذف کامل سلطنت، درونمایه‌ی اصلی آن بود. (نقیب زاده ۱۳۸۲، ۴۶ - ۴۷)

از سوی دیگر یکی از عناصر دائمی و مهم مذهب شیعه توجه به عنصر فداکاری و شهادت از منظر قیام امام حسین علیه السلام است که تقریباً همزمان با حیات خود ائمه و از طریق برگزاری مجالس عزاداری مورد توجه پیروان این مذهب قرار گرفت. (خمینی ۱۳۸۵، ۳؛ مظفر ۱۳۶۸، ۸۶؛ تقی زاده داوری ۱۳۸۶، ۴۰ - ۴۸) بارزترین و هدفمندترین اثر اندیشه‌ی سیاسی شیعه در برگزاری مراسم عزاداری را می‌توان در دوره‌ی نهضت امام خمینی یافت. وی به روش‌های سنتی عزاداری که عمدتاً غیرسیاسی و صرفاً عاطفی - احساسی بود، اعتراض داشت و با اصرار خواستار تغییر اساسی در کیفیت برگزاری مراسم عزاداری بود.

موضوع پژوهش حاضر بررسی تأثیر اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی در دوره‌ی مبارزه با رژیم پهلوی بر درونمایه و صورت‌بندی مراسم عزاداری عاشورا در محرم سال ۴۲ است، و پرسش اصلی آن چگونگی تغییرات در عزاداری آن سال است. برای این منظور ابتدا اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی در دوره‌ی مورد نظر تبیین شده و سپس به بررسی چگونگی تأثیر نظرات وی بر مراسم عزاداری پرداخته شده است. روش تحقیق مطالعه تاریخی - تطبیقی تفسیرگراست که مبتنی بر «رهیافت‌های کیفی» و «مطالعه عمیق و همه‌جانبه‌ی تعداد محدودی از موارد» است. (ایمان ۱۳۹۳، ۱۴۰ - ۱۴۱) نمونه‌ها به صورت غیرتصادفی و هوشمند و در جهت یافتن پاسخ به پرسش اصلی پژوهش انتخاب شده‌اند. در استفاده از منابع نیز، اکثر قریب به اتفاق استنادات در این پژوهش از منابع دست اول (شامل خاطرات حاضران و مشاهدات مأموران ساواک حاضر در صحنه) است و در چند نمونه‌ی معدود از منابع دست دوم، شامل کتاب‌های تاریخ نگاری پژوهشگران تاریخ معاصر، نیز بهره گرفته شده است.

چارچوب نظری

مقدمه‌ای بر اندیشه‌ی سیاسی شیعه

برداشت علمای شیعه از آموزه‌های پیشوایان تشیع این بوده که هر حاکمی در زمان غیبت غاصب است و به علت آنکه حق حاکمیت امام غایب را غصب کرده همکاری با او حرام محسوب می‌شده است. این برداشت بدون آنکه در حقانیت آن تعارضی میان تفکرات مختلف علما وجود داشته باشد مرسوم و مقبول بود. (عنایت ۱۳۷۲، ۵۵) با تأسیس صفویه دورانی مهم و البته جدید در تاریخ سیاسی ایران آغاز می‌شود که می‌توان آن را «دوران مشروعیت و تقرب به حاکم عادل» نامید. (احمدی و جاسم نژاد، ۱۳۹۴، ۴۶) در شروع دوره‌ی قاجار نیز می‌توان چنین دیدگاهی را یافت. یعنی علمای

مطرح شیعه در بدو سلطنت قاجار تصور می‌کردند امکان برقراری رابطه‌ای مشابه روابط حسنه‌ی دوره‌ی صفوی موجود است. (خالقی نژاد، ۱۳۹۰، ۱۴۲) این همکاری در طول سلسله‌ی قاجار به دلایل مختلف کم‌رنگ شد. (آبراهامیان ۱۳۷۷، ۵۲) در مقطع انقلاب مشروطه، هر چند فکر تحدید حاکمیت و ایجاد مشروطه تا حد زیادی با حمایت روحانیون دینی پدیدار گشت ولی در نهایت فعالان روحانی در نهضت مشروطه به دلیل انحرافات پدیدآمده در آن، از مشارکت در انقلاب پشیمان شدند. (الگار ۱۳۹۶، ۳۱۴) پس از فوت آیت الله بروجردی و با مطرح شدن نام امام خمینی در واقع دور جدید از اندیشه‌ی سیاسی شیعه که در آن به همکاری با رژیم رأس کار خاتمه داده می‌شد و تقابل به منظور حذف سلطنت در دستور کار قرار می‌گرفت، آغاز شد. بنابراین مشاهده می‌شود که اولاً می‌توان پدیده‌ای تحت عنوان اندیشه‌ی سیاسی شیعه را در مشی علمای دینی شناسایی کرد و ثانیاً این پدیده هم به لحاظ نظری و هم به لحاظ عملی سیر تطور چشمگیری از بدو پیدایش تا به امروز داشته است.

اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی

نقش امام خمینی در شکل دادن به اندیشه‌ی سیاسی شیعه بسیار مهم است. وی در واقع از سنین جوانی به مسائل سیاسی علاقمند بوده است. یکی از اولین کنش‌های سیاسی او نگارش کتاب «کشف الاسرار» است که در پاسخ به شبهه افکنی‌های دوره‌ی بعد از اخراج رضاشاه از کشور نگاشته شده است. (جعفریان ۱۳۸۹، ۵۲ - ۵۴؛ الگار ۱۳۶۰، ۶۳ - ۶۴) بنا به نظر برخی پژوهشگران امام خمینی در این کتاب از تشکیل حکومت اسلامی بحث کرده است و نقدی بسیار جدی به عملکرد رضاشاه وارد کرده است. (آبراهامیان ۱۳۷۷، ۵۲۲) از بررسی کلیت نظرات وی در طول سال‌های منتهی به ۱۳۴۲ چنین برمی‌آید که امام خمینی با اساس وجود خاندان پهلوی در رأس اداره کشور به شدت مخالف بوده ولی به دلیل حفظ جایگاه مرجعیت اعلام علنی مخالفت خود و مقابله با رژیم حاکم را تا زمان فوت آیت الله بروجردی مخفی نگاه داشته است. (جعفریان ۱۳۸۹، ۲۵۳)

شروع مقابله‌ی علنی امام خمینی با رژیم پهلوی به سال ۱۳۴۱ بازمی‌گردد که در ۱۶ مهر آن سال «لایحه‌ی انجمن‌های ایالتی و ولایتی» به تصویب دولت علم رسید که متضمن «حذف اسلام از شرایط نمایندگی مجلس، سوگند به کتاب‌های آسمانی و تساوی کامل حقوق زن و مرد و شرکت زنان در انتخابات» بود. این لایحه با مقاومت علمای قم در آذر همان سال لغو شد (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات ۱۳۷۸، ۱۷ - ۱۹) ولی متعاقب آن شاه اعلام کرد که قصد دارد برای «انقلاب سفید» که عمده‌ی آن مربوط به اصلاح اراضی می‌شد، رفراندوم برگزار کند که مجدداً با

مخالفت جدی علما و به طور خاص امام خمینی روبرو شد. مأموران ساواک دوم و سوم فروردین سال ۴۲ به مدرسه‌ی فیضیه حمله کردند و ضمن کشتار و ضرب و شتم طلاب، شروع برخورد سهمگین حاکمیت با طبقه‌ی روحانی را به وضوح نشان دادند. (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات ۱۳۷۸، ۲۱ - ۲۴) متعاقب این واقعه امام خمینی حداکثر استفاده‌ی ممکن از حمله به فیضیه را انجام می‌دهد و با اصرار، محرم پیش رو را (خرداد ۴۲) تبدیل به صحنه‌ی افشای اعمال و مقاصد رژیم از حمله به نهاد روحانیت و دین می‌کند.

مقدمه‌ای بر عزاداری شیعیان

همان طور که در بالا آمد، عزاداری بر شهادت امام حسین علیه السلام بلافاصله بعد از واقعه‌ی عاشورا آغاز شد. اما در ایران به طور خاص پس از روی کار آمدن پادشاهان صفوی و بیشتر به دلایل سیاسی به برگزاری مراسم عزاداری اهمیت داده شد. در دوره‌ی قاجار نیز به دلیل علاقه‌ی شاهان قاجاری به مراسم عزاداری و این موضوع که آنها بنا به دلایل گوناگون دوست داشتند خود را افرادی مذهبی نشان دهند، مراسم عزاداری مورد تشویق قرار می‌گرفت. شکل‌هایی نظیر تعزیه و دسته‌روی و روضه‌خوانی و وعظ در دوره‌ی قاجار هر کدام به شکل مجزا و در مواردی تلفیقی شناخته شده بودند. (منظورالاجداد ۱۳۸۰، ۱۶۸) در دوره‌ی پهلوی در واقع در قراردادی نانوخته مردم و روحانیت و حتی حاکمیت پذیرفته بودند که سلطنت پهلوی علاقه‌ای به بسط اعتقادات شیعی و از جمله عزاداری محرم ندارد و حتی مخالفت و معاندت نیز دارد و این موضوع سبب شد که پتانسیل بسیار قدرتمند و ابزاری که قرن‌ها در نوعی کشمکش میان روحانیت و مردم و حاکمیت نقش آفرینی می‌کرد، صرفاً در اختیار مردم و بخشی از روحانیت مرتبط با بدنه‌ی مذهبی اجتماع قرار گیرد. به بیان دیگر، بی-اعتنایی حاکمان وقت به اثرگذاری مراسم عزاداری موجب شد که نتوانند از آن استفاده کنند و از همین نقطه نیز آسیب‌پذیر شدند.

یافته‌های پژوهش

امام خمینی برداشتی کاملاً متفاوت از مراسم عزاداری داشت و اصل برگزاری مراسم مختلف به خصوص روضه‌خوانی و دسته‌روی را سیاسی و در جهت مبارزه با ظلم و ستم می‌دانست. (خمینی ۱۳۸۵، ۷ - ۸) این موضوعی بود که هر چند در برهه‌های مختلف تاریخ سیاسی شیعه مورد اشاره و تأکید قرار گرفته بود (الگار ۱۳۶۰، ۲۲ - ۲۳) و نزدیک‌ترین آن به لحاظ زمانی نیز مراسم عزاداری سیاسی در دوره‌ی مشروطه بود (غفاری و مرشدی زاده و خدادادی ۱۳۹۱، ۶۸)، ولی هرگز به شکلی

هدفمند و نظام‌مند مورد آزمایش قرار نگرفته بود و این در واقع نخستین بار بود که مرجعیت شیعه به عنوان راهنما و مرشد چگونگی برگزاری مراسم عزاداری را از حیث درونمایه و صورت‌بندی تعیین می‌کرد. مطابق نظر برخی پژوهش‌گران عزاداری تا پیش از این دوره بیشتر صرفاً «مصیبت و عزا و خالی از هرگونه حماسه و پیام» بوده است. (حکیمی بی‌تا، ۲۶۳ - ۲۶۵)

شروع جدی بهره‌گیری از مراسم عزاداری در تقابلات سیاسی میان بدنه‌ی مذهبی متشکل از مرجعیت مبارز و مردم متدین در خرداد سال ۱۳۴۲ همزمان با دهه‌ی اول ماه محرم بود که در فروردین همان سال واقعه کشتار و ضرب و جرح طلبه‌های مدرسه‌ی فیضیه صورت گرفته بود. در این زمان امام خمینی رسماً از طریق سه مجرا تلاش کرد که مبارزه‌ی سیاسی را که آغاز کرده بود به مراسم عزاداری وارد نماید. مجرای اول جمع‌آوری و متشکل کردن هیئت‌های عزاداری در تهران بود که منجر به تشکیل جمعیت هیئت‌های مؤتلفه اسلامی شد. (فلاحی ۱۳۹۳، ۷۶ - ۷۷) در واقع امام خمینی بعد از واقعه‌ی فیضیه خود از سران چند هیئت مذهبی و مبارز تهران دعوت کرد که به قم بیایند و در آنجا از آنها خواست که خط مشی عزاداری‌های محرم پیش رو (سال ۴۲) را به افشای رژیم سوق دهند. (فقیه حقانی ۱۳۸۴، ۱۸۴) این مجرا با توجه به اراده‌ای که نزد مؤسسان هیئت‌های مؤتلفه وجود داشت، بسیار مؤثر بود و در طول دهه‌ی اول محرم سال ۱۳۴۲ بخش قابل توجهی از مظاهر عزاداری سیاسی در تهران را راهبری کرد. مجرای دومی که امام خمینی انتخاب کرد، توجه به خطبا و وعظی بود که به لحاظ سیاسی و مبارزاتی با وی همراه بودند. مهم‌ترین این اشخاص محمدتقی فلسفی واعظ مشهور ایران بود که محبوبیتی فراوان در نزد مردم داشت و حتی رژیم هم برای او احترام قائل بود. فلسفی که در سال ۴۱ نامه‌ای از امام خمینی دریافت کرده بود و در همان زمان نیز همراهی با وی را پذیرفته بود (مظاهری ۱۳۸۷، ۱۶۳)، این بار نیز قبول کرد که به رژیم و به خصوص دولت علم انتقاد کند و فضای عزاداری را از حالت منفعل و غیرسیاسی به سیاسی تغییر دهد. دیگر وعظی که در طول دهه‌ی اول محرم این سال سخنرانی سیاسی ایراد کردند، عمدتاً از شاگردان و یاران امام خمینی بودند که در سال‌های بعد هم جزء روحانیان مبارز علیه رژیم قرار گرفتند. خاطره‌ای که شهید محلاتی از امام خمینی نقل می‌کند، گویای نوع نگاه امام خمینی به کارکرد عزاداری در دوره مبارزه است:

محرم در پیش بود امام مرا خواستند و فرمودند: بروید وعظ تهران و سران هیئت‌ها را جمع کنید تا در محرم امسال بتوانیم حداکثر بهره‌برداری را بکنیم. دستورالعملی هم در این زمینه به من دادند. اعلامیه‌ای هم دادند که در ماه

محرم در دسته‌جات و سینه‌زنی‌ها جنایات شاه و جریان فیضیه [برای مردم] تشریح شود و ما حداکثر بهره‌برداری را از این جریان بکنیم.
(نقیب زاده ۱۳۸۲، ۱۵۴)

اما مجرای سوم که به نوعی دو مجرای پیشین مقدمه‌ای بر آن محسوب می‌شوند، عملکرد خود امام خمینی در طول این دهه است. او هر شب به هیئت‌های مختلف در قم می‌رفت و زمینه را برای اتفافی مهم در روز عاشورا فراهم می‌آورد. (فلاحی ۱۳۹۳، ۱۰۳ - ۱۰۴) از برخی اسناد چنین برمی‌آید که امام خمینی به اطرافیان خود توصیه کرده بود روزهای ابتدایی دهه‌ی محرم را ملایم شروع کنند و صحبت‌ها و اعتراضات تند را برای چند روز آخر و به خصوص روز عاشورا بگذارند. (فلاحی ۱۳۹۳، ۸۵) در روز عاشورا امام خمینی در مدرسه‌ی فیضیه سخنرانی بسیار تندی علیه شاه انجام داد و ضمن مقایسه‌ی او با یزید، خواستار اصلاح وضع شد. (مظاهری ۱۳۸۷، ۱۷۵) سخنرانی امام به شدت تند بود و موجب شد که شاه به تحریک علم با دستگیری وی موافقت کند و این موضوع مقدمه‌ی پیروزی مبارزه‌ی امام خمینی علیه رژیم پهلوی را فراهم آورد. باید به این مهم توجه داشت که دلیل اصلی توفیق امام خمینی در راه اندازی مبارزه از طریق مجاری ذکرشده، اهمیت جایگاه او به عنوان مرجع تقلید شیعیان است. به این وسیله سیاستی که امام خمینی در طول سال‌های ۱۳۲۰ (اخراج رضاشاه از ایران) تا ۱۳۴۰ (فوت آیت الله بروجردی) در راستای تقویت جایگاه مرجعیت شیعه به کار بسته بود، مستقیماً در اجرای موفقیت آمیز مبارزات او مؤثر واقع شد. دلیل دیگر این توفیق نیز اهمیت خاص مراسم عزاداری در فرهنگ شیعی بود که حاکمیت وقت از آن کاملاً غافل بود.

بدین ترتیب با هدایت امام خمینی و از سه مجرای یادشده درونمایه‌ی و صورت‌بندی عزاداری در سال ۱۳۴۲ دگرگون شد. در ادامه تغییرات درونمایه و صورت‌بندی عزاداری در محرم آن سال مورد بررسی قرار می‌گیرد:

درونمایه

هر چند در طول سالیان دراز، عزاداری بیشتر صبغه‌ی احساسی - عاطفی یافته بود ولی روح جمعی شیعه نسبت به این واقعیت که امام حسین علیه السلام بر سر امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه با حکومت فاسد بنی‌امیه قیام کرده و به شهادت رسیده بود، عمیقاً آگاهی داشت و همان طور که پیشتر نیز مورد اشاره قرار گرفت در برهه‌های زمانی مختلف این درونمایه‌ی حماسی و سلحشورانه و ظلم-ستیز در مراسم عزاداری مورد اشاره قرار می‌گرفت و حتی انگیزه‌بخش مبارزان سیاسی نیز بود. امام

خمینی رهبری جریان را بر عهده گرفت که روح جمعی آن معتقد بود، به دلیل آنکه ظلم و ستم و اسلام‌ستیزی رژیم پهلوی کاملاً مشابه فساد دربار اموی است، لذا باید مشی شیعیان نیز مشابه مشی امام حسین علیه السلام باشد. به این ترتیب یکی از مهم‌ترین و مانا‌ترین استعاره‌های مبارزه‌ی انقلابی امام خمینی در سال ۴۲، یعنی استعاره «شاه، یزید زمان» شکل گرفت. در ادامه به برخی از نمونه‌های «صریح» این استعاره در سخنرانی‌ها، اعلامیه‌ها و نوحه‌خوانی‌های سال ۱۳۴۲ اشاره می‌شود. البته پیشتر تأکید بر این نکته ضرورت دارد که این نمونه‌های صریح خود گویای روح حاکم بر جریان مبارز آن دوره است و نشان از این دارد که این استعاره در نظام فکری آنها کاملاً جاافتاده و منطقی می‌نموده است.

نمونه ۱:

امام خمینی پیش از شروع ایام محرم در اعلامیه‌ای چنین نوشت:

حضرات مبلغین عظام، هیئات محترم و سران دسته‌های عزادار متذکر شوند که لازم است فریضه‌ی دینی خود را در این ایام، در اجتماعات مسلمین ادا کنند. از سید مظلومان فداکاری در راه شریعت را فراگیرند و از توهم چند روز حبس و زجر نترسند. لا تهنوا و تحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین. آقایان بدانند که خطر امروز برای اسلام کمتر از خطر بنی امیه نیست ... در نوحه‌های سینه‌زنی از مصیبت‌های وارده بر اسلام و مراکز فقه و دیانت و انصار شریعت یادآور شوید. (فلاحی ۱۳۹۳، ۷۸ - ۷۹)

همان گونه که دیده می‌شود در این اعلامیه امام خمینی، رژیم حاکم را با حکومت بنی امیه که امام حسین علیه السلام برای مبارزه با آن به شهادت رسید مقایسه کرده است.

نمونه ۲

سخنرانی امام خمینی در عصر روز عاشورا در مدرسه‌ی فیضیه‌ی قم مهم‌ترین واقعه محرم سال ۱۳۴۲ محسوب می‌شود که منجر به دستگیری وی شد. امام خمینی در بخشی از سخنرانی چنین می‌گوید:

... اگر بنی امیه و دستگاه یزید تنها با حسین سر جنگ داشتند که آن رفتار وحشیانه و خلاف انسانی چه بود که در روز عاشورا با زن‌های بی‌پناه و اطفال بی‌گناه مرتکب شدند؟ ... بر نظرم می‌گذرد که آنها با اساس سروکار داشتند.

بنی‌هاشم را نمی‌خواستند ... همین فکر امروز در سرزمین ایران به نظر می‌رسد. با بچه‌های ۱۶ - ۱۷ ساله‌های ما چه کار داشتند؟ ... لکن این فکر پیش می‌آید که این‌ها با اساس مخالفانند. با بچه‌ها مخالف نیستند؛ این‌ها نمی‌خواهند که اساس موجود باشد. این‌ها نمی‌خواهند در این مملکت قرآن باشد. (مظاهری ۱۳۸۷، ۱۷۵ - ۱۷۶)

مجدداً مشاهده می‌شود که امام خمینی این همانی میان سیاست دستگاه یزید و پهلوی ایجاد کرده است و استعاره‌ی یزید زمان را برای مخاطب خود تقویت می‌کند.

نمونه ۳:

سخنرانی امام خمینی در جمع بازاریان تهران در تاریخ نهم خرداد سال ۱۳۴۲ مصادف با ششم

محرم:

ما افتخار می‌کنیم که مانند سیدالشهدا روز عاشورا کشته شویم، و بچه‌های ما را اسیر و اموالمان را غارت نمایند. در عوض اسم ما تا ابد باقی خواهد ماند. اولاً کار این‌ها با یزید هیچ فرقی نمی‌کند؛ ثانیاً اگر بخواهند چنین عملی را انجام دهند و بخواهند دستجات ما را بکوبند و مردم را به قتل برسانند، ما نیز از هم اکنون مانند حسین اعلام می‌کنیم: هر که با ماست به طرف ما بیاید و هر کس که با ما نیست به سمت لشکر یزید برود. یکی از کسانی که باید در راه حضرت سیدالشهدا آغشته به خون خود شود، خمینی است. حال که چنین است، باید روز عاشورا را در قم، کربلای حسین قرار بدهیم، تا یک کربلای ثانی درست کنیم، و مردم برای زیارت به قم بیایند. چه افتخاری بالاتر از اینکه در راه دین، در راه حسین، در راه استقلال مملکت کشته شویم. (خمینی ۱۳۷۸، ۲۴۰)

این بریده از سخنرانی امام خمینی شاید گویاترین و کامل‌ترین نمونه از استعاره‌ی مدنظر این پژوهش در خصوص تداعی این همانی میان رژیم پهلوی و دستگاه بنی‌امیه باشد.

نمونه ۴:

بخشی از سخنرانی محمدتقی فلسفی در خصوص واقعه‌ی فیضیه:

این واقعه ثابت می‌کند که اخبار وقایع کربلا و صدماتی که بر اهل بیت رسول اکرم ﷺ و جوانان و زن و بچه‌های آنها وارد ساختند، کاملاً درست است، و آنچه

در فیضیه گذشت، شاهدهی بر این مدعا و نمونهی فاجعه‌ای است که واقعیت داشته است. (فلاحی ۱۳۹۳، ۶۹)

در این نمونه نیز استعاره‌ی یزید زمان به صورت مستتر مشاهده می‌شود.

نمونه ۵:

گزارشی است از ساواک که به تحلیل سخنرانی‌های محمدتقی فلسفی در روزهای انتهایی دهه‌ی اول محرم سال ۱۳۴۲ پرداخته است:

دو سخنرانی شیخ محمدتقی فلسفی در مسجد ترک‌ها در روزهای یکشنبه و دوشنبه هفته‌ی جاری با انتشار اعلامیه خمینی - عکس‌های متعدد و فراوان او در پایتخت و شعارهای کنایه‌داری که بر علیه شاه «به نام یزید» و «دستگاه یزیدی» و «مریدان یزید» می‌داد عکس العمل بسیار بدی در بین توده‌ی مردم داشت. ... در روز ۱۱ و ۱۲ محرم حداقل یکصد هزار نفر نطق فلسفی را گوش داده‌اند. اگر موعظه‌ی ملاها در مساجد ختم باشد، خطرش کمتر از موعظه بر بالای منابر در ایام سوگواری است. زیرا در آنجا طرف کلام وعاظ طبقات دوم و اول است ولی در روی منابر سوگواری طرف مردم «عوام» و هیجان افکار آنها کنترلش مشکل است ... (سلیمی ۱۳۸۶، ۲۳۷)

مشاهده می‌شود که اعضای ساواک نیز کاملاً به پررنگ بودن استعاره‌ی یزید زمان در مبارزات سال ۴۲ پی برده‌اند و اثر آن را در میان مردم مهم ارزیابی می‌کنند.

نمونه ۶:

یکی از شعارهایی که دسته‌های عزاداری که هیئت‌های مؤتلفه در روز عاشورا هماهنگ کرده بودند این بود:

تا کی داری تو شور و شر، یابن مرجانه / کاخ کنیم زیر و زبر یابن مرجانه
(فلاحی ۱۳۹۳، ۹۸)

آن گونه که در اسناد ذکر شده شعار بالا در مسیر بازگشت دسته‌های عزادار از دانشگاه تهران به سمت بازار و در اطراف کاخ مرمر گفته شده و تشبیهی میان سران رژیم (به احتمال زیاد: شاه) و عبیدالله ابن زیاد در آن وجود دارد.

نمونه ۷:

در یکی از منابع تاریخ نگاری انقلاب اسلامی آمده است:

«سید عبدالکریم هاشمی نژاد در سخنرانی خود در ۸ خرداد [سال ۴۲] در مسجد مروی .. ضمن محکوم کردن فاجعه‌ی مدرسه‌ی فیضیه و تعلل دستگاه قضایی در شناسایی مسببین این حادثه، سرنوشت دستگاه یزید را برای حکومت پهلوی پیش بینی کرد.» (سلیمی ۱۳۸۶، ۶۷)

همانگونه که مشاهده می‌شود در این نمونه یکی از شاگردان و یاران امام خمینی صراحتاً رژیم حاکم را با دستگاه بنی امیه مقایسه کرده است.

به جز این هفت نمونه که ذکر شد موارد پرشمار دیگر در محرم سال ۱۳۴۲ و سال‌های بعد از آن وجود دارد که نشان از اهمیت و اساسی بودن استعاره و مقایسه میان وضعیت آن دوره با دوره‌ای که امام حسین علیه السلام یزید قیام کرد را نشان می‌دهد.

صورت بندی

قسمت بسیار مهم پژوهش حاضر که فقدان آن به شدت در ادبیات موضوع حس می‌شود و کمتر کسی به سراغ آن رفته چگونگی ایجاد تغییرات در صورت‌بندی و فرم عزاداری است. ذکر این توضیح ضروری است که ادبیات پژوهش در حوزه‌ی صورت‌بندی عزاداری، بیشتر نگاهی تک‌ساحتی به فرم اجرای آیین داشته و از این منظر پس زمینه‌های فکری و بن‌مایه‌های اعتقادی آن را نادیده می‌انگاشته است. به این معنا نگاهی که پژوهش‌گران به آیین‌هایی چون روضه‌خوانی و یا تعزیه و یا سایر مظاهر عزاداری داشته‌اند، نگاهی عرفی یا اسطوره‌ای بوده است. در حالی که به منظور احراز نگاهی جامع‌تر نسبت به منظومه‌ی آیین‌های سوگوارانه، نباید از تأثیر و تأثرات پس زمینه‌های مذکور در صورت‌بندی این گونه مراسم و آیین‌ها غافل بود. حال این پرسش پدید می‌آید که با توجه به تغییر درونمایه‌ای مورد اشاره در بالا، آیا تغییری در صورت‌بندی مراسم محرم سال ۴۲ قابل مشاهده است؟ پاسخ به این پرسش به صورت کوتاه مثبت است و در ادامه نمونه‌هایی از این تغییرات مورد اشاره قرار می‌گیرد:

تبدیل دسته به تظاهرات

بدون تردید مهم‌ترین و برجسته‌ترین واقعه‌ی عاشورای ۴۲ در تهران، دسته‌ی عزاداری بزرگ از

میدان شاه سابق به سمت دانشگاه تهران بوده است که بیشترین بازتاب را در اسناد ساواک داشته و بسیار مورد توجه قرار گرفته است. در خاطرات یکی از فعالان سیاسی آن دوره آمده است:

در همان اوآن، هیئت‌های مؤتلفه‌ی اسلامی طرحی را برای روز عاشورا تهیه کرد که بر اساس آن، قرار شد در روز عاشورا راهپیمایی سازمان یافته و منظمی به راه بیندازیم. راهپیمایی از مدرسه‌ی علمیه در کنار مسجد حاج ابوالفتح واقع در میدان شاه، میدان قیام فعلی شروع می‌شد و در جلوی دانشگاه تهران پایان می‌یافت. قرار بود راهپیمایان پلاکاردهایی را حمل کنند که روی هر کدام عکسی از امام الصاق شده باشد و فقط به شعارهایی پاسخ دهند که از طرف مسئولان مربوط به جمعیت هیئت‌های مؤتلفه اعلام می‌شد. همچنین مقرر شد قرآن‌هایی را با خود برداریم و از روی آنها آیاتی تلاوت کنیم که اگر نیروهای امنیتی به صفوف راهپیمایان حمله کردند، بگوییم رژیم به قرآن حمله کرده است. (توکل‌ی بینا ۱۳۸۳، ۶۲)

این دسته‌ی عزاداری که اولین حرکت آشکار هیئت‌های مؤتلفه‌ی اسلامی بود، مظهر ایجاد بسیاری تغییرات در صورت‌بندی عزاداری سال ۴۲ بود. مهم‌ترین تغییر، تبدیل مفهوم دسته‌ی عزاداری به تظاهرات است. البته واضح است که خود برگزارکنندگان لاقلاً در زمان برگزاری قائل به چنین تفکیکی نبوده‌اند ولی از مشاهدات مأموران ساواک و اسناد این سازمان چنین برمی‌آید که شکل برگزاری یک سره با دسته‌روی سنتی متفاوت بوده است. به طوری که در اسناد ساواک از آن تحت عنوان «دمونستراسیون» یا تظاهرات یاد شده است:

... مجموع کسانی که در این دمو [ن] ستراسیون نیمه مذهبی شرکت دارند از ۸ هزار نفر بیشتر و اکثراً بازاریها - دانشجویان و طلاب مصدقی - تودئی و نهضت آزادی می‌باشند ...
(قیام ۱۵ خرداد ج ۲، ۱۳۷۸، ۳۷۸)

توضیحی که شهید مهدی عراقی در سخنرانی خود در سال ۱۳۵۷ در خصوص کیفیت برگزاری این دسته‌ی عزاداری می‌دهد تا حدی دلیل این که این دسته به کرات در اسناد ساواک تحت عنوان «دمونستراسیون» یاد شده را مشخص می‌کند:

[سؤال یکی از حضار:] این راهپیمایی گروه به سبک همان سینه‌زنی بود؟
حاج مهدی عراقی: پلاکارد بود، به حضورتان عرض کنم فرض کن ده متر به ده

متر همین دمی که من گفتم، می‌گفتند، بعد فاصله‌اش یک نفر قرآن می‌خواند، دومرتبه بعد دسته بعدی شروع می‌کردند به دم دادن. (عراقی ۱۳۷۰، ۱۸۱)

با توجه به این نکته به اهمیت فرم و صورت‌بندی دسته عزاداری روز عاشورا می‌توان پی برد. دسته‌ای که به گواهی اسناد ساواک جزء «دمونستراسیون» شمرده می‌شود و به آن عبارت «نیمه مذهبی» اطلاق می‌شود ولی در عین حال هم برگزارکنندگان و هم مأموران رژیم قائلند که گونه‌ای عزاداری است. گفته مرحوم عراقی هم همین موضوع را تأیید می‌کند. در واقع می‌توان دسته‌ی عزاداری روز عاشورا را واریاسیونی از عزاداری سنتی دانست که گرچه ارتباطش را با ریشه‌ی اصلی خود به هیچ عنوان از دست نمی‌دهد، در عین حال هم به لحاظ درونمایه و هم صورت‌بندی نوین و هنجارگریز است. البته به غیر از مسیر طولانی که به دانشگاه تهران ختم می‌شد عناصر دیگری نیز باعث می‌شد که این دسته‌روی، یک دسته‌روی معمولی نباشد و بیشتر شبیه تظاهرات باشد که به برخی از آنها در ادامه اشاره خواهد شد.

تبدیل نوحه به شعار

اشعارِ نوحه‌ها همواره یکی از ارکان مراسم عزاداری بوده‌اند. در محرم سال ۴۲ یکی از مسائلی که بسیار مورد توجه معترضان به رژیم حاکم قرار داشت، تأکید بر تغییر در اشعار عزاداری بود به نحوی که از منظری دیگر در زمان اجرا، نوحه محسوب نشده و به نوعی شعار یا رجزخوانی تبدیل می‌شده‌اند. اعضای هیئت‌های مؤتلفه در خاطرات خود تأکید دارند که برای تحقق تغییرات مدنظر خود با فعالان هیئات مهم تهران رایزنی کرده‌اند:

... یک مشت مداحهای سرشناس هم که خود ماها می‌شناختیم راه افتادیم دیگر. مثل حاج عباس زری باف، حاج ناظم، این چیزها که به حساب معروف هستند توی مداحها که مداحهای دیگر هم تقریباً دنباله‌رو این‌ها هستند ... خلاصه یکی یکی راه افتادیم رفتیم خانه‌هایشان و صحبت کردیم. از همه‌شان قول گرفتیم که شعرهایی که می‌سازند، نوحه‌هایی که می‌گویند، همه‌اش در رابطه با مدرسه فیضیه باشد امسال. (عراقی ۱۳۷۰، ۱۷۴ - ۱۷۵)

در میان نوحه‌هایی که در محرم سال ۴۲، اجرا شده دو نوع کلی قابل شناسایی است. الف: نوحه‌ها و یا شعارهایی که به صورت مستقیم به مضامین روز اشاره داشته‌اند:

نمونه ۱

بعد از وقایع فیضیه و در محرم ۱۳۴۲ از سوی امام و مراجع دستور آمد که می‌بایستی نوحه‌هایی با مضامین انقلابی در هیأت خوانده شود. این همان سالی بود که امام فرمودند من سینه‌ام را برای اصابت سرنیزه‌ها آماده کرده‌ام. مرحوم خوشدل تهرانی شعری سرود که هیئت بنی فاطمه در بازار خواند و مردم حاضر در بازار کفاش‌ها همصدا با مشت‌های گره کرده، در حالی که نیم متر به هوا می‌پريدند، این شعار را جواب می‌دادند. مردم هم همه‌ی هیئت‌ها را ول کرده بودند آمده بودند جزء بنی فاطمه.

بنی فاطمه هم به این صورت بود که شده بود دانشگاه این بچه‌های بی‌سواد، بچه‌های دیپلمه، لیسانسیه. هر کس هر جا نمی‌توانست چیزی بگوید می‌آمدند توی هیئت بنی فاطمه و دق دلی خود را خالی می‌کردند. شعر خوشدل این بود:

عباس مه لقا عباس مه لقا / سقای کربلا

شد دو دستش جدا / واویلا، واویلا

فرمود والله ان قطعتموا یمینی / شد موسم یاری مولانا الخمینی

ای اهل عالم، الله اکبر

روز بعد، روز دهم به یادبود شهدای فیضیه ... مردم چنین گفتند روز عاشورا:

چون طرف شد یزید با قرآن مجید / خون شاه شهید، ریخت در کربلا، واویلا،
واویلا

بنیادشان بر باد ده در این قیام، یا صاحب‌الامر

البته هر کدامش ده دوازده تاست، این شاه فردش است. (فقیه حقانی ۱۳۸۴،

۱۴۵ - ۱۴۶)

نمونه بالا خاطرات آقای محمدعلی اسلامی است که خود از مداحان هیئت بنی فاطمه (از هیئت-

های مهم تهران) در سال ۴۲ بوده و نشان از ایجاد تغییرات در سرایش و اجرای نوحه‌ها دارد.

نمونه ۲

... هیئت ما روز عاشورا [سال ۴۲] بیرون آمد. وقتی از پاچنار بیرون آمدیم،

سرتاسر بازار کفاش‌ها، خیاط‌ها و بزازها مملو از جمعیت بود و یکی از شعارهایی

که سر می‌دادیم، یک مصرعش این بود:

شد موسم یاری مولانا الخمینی

این شعارها را جوانی به نام قاسم امینی سروده بود که به رحمت ایزدی پیوست. او سروده بود و برادر بنده هم می‌خواند. عده‌ای به ایشان اعتراض می‌کردند که این شعارها تند است، نخوان! ممکن است مزاحم تو شوند، یا اینکه هیئت را تعطیل کنند و اعضای جلسه را بگیرند. ایشان هم از آن خانه می‌خواستیم بیرون بیاییم، این شعارها را سرنداد، وقتی به بازار رسیدیم، در پاچنار، جلوی نانوایی سنگکی، بالای چهارپایه رفت و این شعارها را سر داد. (باقری ۱۳۷۵، ۷۷)

نمونه بالا از خاطرات آقای سیداسماعیل زریباف از گردانندگان هیئت بنی فاطمه در دوره‌ی مورد نظر است.

نمونه ۳:

رسم ما این بود که هر روز به نام یک شهید کربلا، دسته را بیرون می‌بردیم. روز نهم محرم که رسید، با توسل به حضرت ابوالفضل (علیه السلام) و با رجز «والله ان قطعتموا یمینی انی احمی ابداً عن دینی» سه دسته را بیرون آوردیم. اما دسته‌ی چهارم شعار جدیدی می‌دادند که بازار را می‌لرزاند. آن شعار این بود:

قم دشت کربلاست / هر روزش عاشوراست / فیضیه قتلگاست
خون جگر علما / واویلا واویلا / شد موسم یاری مولانا الخمینی (دو بار)

این شعار سرتاسر بازار را گرفت بود. شاید ابتدای این دسته از بازار «دوخته فروشها» شروع می‌شد، اما انتهای آن از بازار پاچنار بیرون نیامده بود. وقتی همه‌ی بازارهای تهران را گشتم، دیدم تمام آنان همین شعار و نحوه را تکرار می‌کنند. (باقری ۱۳۷۵، ۸۴)

نمونه بالا از خاطرات آقای سید عباس زریباف از مداحان هیئت بنی فاطمه است.

نمونه ۴:

هم اکنون دسته‌ای در قسمت شمالی بازار کفاشها در حرکت هستند و نحوه زیر را می‌خوانند قم گشته کربلا - هر روزش عاشورا است - فیضیه قتلگاه است - خون جگر علماء - شد م [و] سم یاری مولایم خمینی - یا صاحب‌العصر (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات ج ۲، ۱۳۷۸، ۳۵۸)

نمونه‌ی بالا عین متن گزارش داخلی ساواک تهران مورخ ۱۲ / ۳ / ۴۲ است. لازم است ذکر شود که نمونه‌های اسناد و خاطرات حاوی نوحه‌خوانی و شعارهای با مضامین سیاسی روز بسیار زیاد است و ذکر کلیه‌ی آن‌ها در حوصله‌ی این متن پژوهشی نیست. ب: نوحه‌های حماسی بدون اشاره مستقیم به مسائل روز بخش اعظم نوحه‌خوانی‌ها اشاره‌ی مستقیمی به مسائل سیاسی روز نداشته‌اند ولی به دلیل مضامین حماسی و مبارزه‌ای خود و احتمالاً طرز اجرا حساسیت برانگیز می‌نموده‌اند.

نمونه ۱:

... مثلاً دسته‌ای که از قنات آباد حرکت کرد و حاج اکبر ناظم نوحه‌خوان آن بود، در بازار، دم کوبنده‌ای را شروع کرد که خیلی هیجان به وجود آورد و آن این بود: «اگر شود ز قتل من استوار، احکام دین و شرع پروردگار، یا سیوف خذینی، بهر امر دینی» سینه‌زن‌ها این را تکرار می‌کردند و هیچ عاملی نمی‌توانست آن را محدود یا کوچک کند. (باقری ۱۳۷۵، ۴۶)

نمونه‌ی فوق خاطرات آقای رضا حدادعادل از فعالان مذهبی آن دوره و حاضر در مراسم عزاداری تهران است.

نمونه ۲:

برگشتیم توی خیابان ولی عصر ع فعلی (پهلوی سابق) جلوی کاخ مرمر که آن زمان محل اقامت شاه بود رسیدیم یک مرتبه جمعیت برگشتند طرف کاخ و همه‌ی دست‌ها را به طرف کاخ تکان می‌دادند که می‌گفتند: «گفت عزیز فاطمه، الا یزید بی‌حیا، زیر ستم نمی‌روم» خلاصه مشخص هم بود که خطاب به شاه است. (مرکز اسناد انقلاب اسلامی ۱۳۸۲، ۱۲۶)

نمونه بالا مربوط به خاطرات آقای محسن رفیق دوست از فعالان سیاسی و مذهبی دوره‌ی مورد نظر است. که ضمن ذکر خاطره‌ی خود اشاره‌ای به دلالت فرامتنی نوحه‌ی مذکور نیز داشته است. ذکر این نکته بسیار اهمیت دارد که در خصوص نوع دوم نوحه‌خوانی‌ها به جز مضامین حماسی و مبارزه‌ای و همین‌طور نوع اجرای نوحه‌ها، همجواری با شعارهای سیاسی نیز موجب می‌شد که اشعار به ظاهر غیرسیاسی نیز بار سیاسی بیابند. به هر روی و به عنوان جمع‌بندی این بخش، باید

اظهار کرد که در عزاداری‌های سیاسی و مبارزه‌ای سال ۴۲، تغییر سرایش و اجرای نوحه‌ها به نحوی که عملاً تبدیل به شعار شوند، بارز بود و از نقاط تمایز با عزاداری سنتی محسوب می‌شد.

تبدیل پرچم و علامت به پلاکارد

حمل پرچم‌ها و علامت‌ها یکی از مشخصه‌های جدی دسته‌های عزاداری و هیئت‌ها است و تغییر یا هرگونه نشان‌دار کردن این علامت می‌توانست دلالت‌های مهمی در سطح جامعه و برای حاکمیت داشته باشد. در همین زمینه سندی از ساواک مورخ ۳۱ / ۲ / ۴۲ اهمیت موضوع را بهتر نشان می‌دهد:

یکی از افراد موثق که با ساواک همکاری دارد اظهار می‌داشت سیدمحمد کاشانی پسر مرحوم آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی منزل خود واقع در پامنار ... را پاتوق سردسته‌ها و سردمداران که در ماه محرم دسته راه می‌اندازند، نموده، علاوه بر فعالیت به نفع روحانیون در صددند در ماه محرم آینده از دسته‌جاتی که دارای علامت می‌باشند استفاده نموده اقدامی بعمل آورند که بر خلاف سال‌های گذشته دسته‌جات غیرصنفاً (مثل دسته پامنار و طیب - ناصر جگرکی - حسین رمضان یخی و غیره) با علامت وارد بازار شده و با صفوف دسته‌جات موافق دولت زد و خورد نموده، تولید جنجال و عدم امنیت و صحنه‌سازی به منظور آنکه وانمود کنند دولت مانع انجام مراسم عزاداری و مذهبی است گردند ... (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات ج ۲، ۱۳۷۸، ۲۵۴)

همانگونه که در متن سند نیز مشاهده می‌شود، نشان‌دار شدن دسته‌های موافق و مخالف «دولت» از طریق «علامت» معنادار می‌شود. در محرم سال ۴۲ یکی از مسائلی که به شدت قابل مشاهده بوده و به طور خاص در اسناد ساواک مورد اشاره قرار گرفته، حمل پلاکارد در دسته‌های عزاداری به ویژه دسته‌ی عزاداری معروف به مسجد حاج ابوالفتح است. در ادامه نمونه‌هایی از اشاره به این پلاکاردها در خاطرات و اسناد ذکر می‌شود:

نمونه ۱:

... ضمناً پلاکتی باین شعار در دست دارند: اجرای [منویات] علمای قم خواسته ملت است. (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات ج ۲، ۱۳۷۸، ۳۷۲)

نمونه بالا عین متن گزارش داخلی ساواک در روز عاشورا است و حمل پلاکارد در دسته‌ی

عزاداری عاشورا مورد تأکید قرار گرفته است.

نمونه ۲:

... شعارهای پارچه‌ای جهان بنور آیت الله خمینی زنده شده است. زیر بار ننگ نروید. اگر دین ندارید در دنیا آزاد باشید. خواسته‌های مراجع خواسته‌های مردم است. عقیده و زندگی مبارزه در راه دین است. (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات ج ۲، ۱۳۷۸، ۳۷۵)

در این سند نیز که متن گزارش داخلی ساواک است، متن پارچه نوشته‌ها یا به اصطلاح خود ساواک «شعارهای پارچه‌ای» درج شده است.

نمونه ۳:

مقارن ساعت ۰۹۴۵ در حالی که چند شعار پارچه‌ای بمضامین زیر با خود حمل می‌نموده‌اند بطرف قسمت شمالی خیابان ری و سه راه امین حضور بحرکت در آمده‌اند.

«جهان بنور آیت الله خمینی روشن شده است». «زندگی عقیده و مبارزه است» «زیر بار ننگ نروید». «از مرگ و شهید شدن نمی‌هراسیم». «خواسته‌های مراجع تقلید خواسته‌های مردم است» ... و آنگاه در حالی که عده آن‌ها به ۴ هزار نفر می‌رسیده بسوی میدان بیست و هشت مرداد و خیابان اسلامبول به راه افتاده و در همین هنگام عکس بزرگی از آیت الله خمینی را در پیشاپیش خود بحرکت درآورده ... مقارن ساعت ۱۱۰۰ پلاکتی به مضمون دست عمال پلید اسرائیل از کشور اسلام ما کوتاه بمیان تظاهر کنندگان آورده شده ... (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات ج ۲، ۳۹۳)

نمونه بالا که عین متن گزارش داخلی ساواک مورخ ۱۳ / ۳ / ۴۲ است، نیز با جزئیات بیشتری از پلاکاردها و همچنین حمل تصویر امام خمینی در دسته همراه است.

نمونه ۴:

... به میدان قیام که رسیدم با جمع کثیری که شاید به نظرم صد هزار نفر می‌آمد رو به رو شدم که با شور و هیجان پلاکاردهایی در دست گرفته و در حرکت

هستند. پلاکاردها خلاف بیرق‌های هیئت‌ها - که تنها شعارهای معمولی مذهبی روی آن‌ها نوشته می‌شد - پر از عبارات انقلابی، سیاسی و جملاتی از امام حسین (علیه السلام) بود ... (باقری ۱۳۷۸، ۱۳۰)

در نمونه‌ی بالا، از خاطرات غلامعلی حدادعادل، نیز مشخص است که حمل پلاکارد تا آن زمان در دسته‌ی عزاداری مرسوم نبوده و موضوعی جدید است.

نمونه ۵:

نزدیکی‌های ساعت ۸/۵ - ۹ بود که جمعیت حرکت کرد. پلاکاردهای مختلفی بود علیه امپریالیست آمریکا، علیه صهیونیست، علیه اسرائیل بود، به نفع مسلمین بود، علیه فراندوم بود، به طور کلی این مسائلی بود که روی پلاکاردها نوشته شده بود. (مرکز اسناد انقلاب اسلامی ۱۳۸۲، ۱۲۱ - ۱۲۲)

نمونه‌ی بالا عین سخنرانی شهید مهدی عراقی و نقل خاطرات وی از دسته‌ی بزرگ روز عاشورای تهران است که وی از پلاکاردها به عنوان یکی از شاخصه‌های دسته‌ی مذکور نام برده است.

به غیر از نمونه‌های بالا موارد پرشمار دیگری نیز از اسناد و خاطرات، اهمیت موضوع تبدیل بیرق-ها و علامت‌ها به پلاکاردها را تأیید می‌کند. اما موضوعی که در این بخش ذکر آن اهمیت دارد، همجواری علامت‌ها و بیرق‌های سنتی به عکس امام خمینی است (چسباندن عکس امام بر روی بیرق‌ها و علامت‌ها) که آن هم بازتاب بسیاری در خاطرات و اسناد دارد و مهم‌ترین آن در خصوص دسته‌ی بزرگ طیب حاج رضایی صورت گرفته است. (مرکز اسناد انقلاب اسلامی ۱۳۸۲، ۱۲۱) خاطرات رضا حدادعادل از فعالان مذهبی آن دوره نشان می‌دهد که شخص نخست وزیر با یک واسطه از طیب خواسته بوده این کار را انجام ندهد ولی طیب به این درخواست اعتنایی نکرده است. (باقری ۱۳۷۵، ۴۳ - ۴۴) همچنین در یکی از مبسوط‌ترین و جامع‌ترین گزارش‌های داخلی ساواک در خصوص عزاداری دهه‌ی اول محرم سال ۴۲ در تهران، در خصوص نصب عکس‌های امام خمینی به روی پرچم‌ها و کتل‌ها، مطلبی ذکر شده است. (نک: عین متن سند در انتهای مقاله)

تبدیل خطابه به سخنرانی

رسم متعارف مجالس عزاداری که از سالیان بسیار دور به دوره‌ی پهلوی دوم رسیده بود، برگزاری مجلس وعظ و خطابه بود که واعظ مطابق انتظار از رنج‌هایی که به خاندان اهل بیت رسیده و به

خصوصاً مصیبت عاشورا سخن می‌گفت و ضمن گریاندن حضار، ثواب زیاد اخروی و اثرات دنیوی حضور در چنین مراسمی را به آن‌ها بشارت می‌داد. طبعاً انتظار حاکمیت نیز از مجالس وعظ چنین بود. اما در دهه‌ی اول محرم سال ۴۲ که اوضاع سیاسی به واسطه‌ی حمله‌ی رژیم به مدرسه‌ی فیضیه ملتهب بود، مجالس وعظ و خطابه به سخنرانی‌های سیاسی تبدیل شد که در ادامه با آوردن چند سند، موضوع مورد بررسی قرار گرفته است:

نمونه ۱:

... جلوی درب ورودی دانشگاه سه نفر سخنرانی کردند نفر اول با کراوات و راجع به روز عاشورا و مبارزه حضرت حسین بر علیه ظلم و زور و مردم را دعوت به همکاری بر علیه دستگاه نمود (سن حدود ۲۵ الی ۳۰) نفر دوم (۳۳ الی ۴۰ سال داشت و در بازار فرش فروشی دارد) درباره مبارزات آقای خمینی نفر سوم دوباره به خداوند متوسل شده و برای مردم دعا نمود و آنها را به مبارزه علیه دستگاه دعوت نمود. (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات ج ۹، ۱۳۷۸، ۴۵)

نمونه‌ی بالا عین متن گزارش داخلی ساواک است که در خصوص سخنرانان انتهای دسته‌ی بزرگ تهران، مقابل دانشگاه تهران است. همانگونه که مشخص است، سخنرانان اولاً، مطابق مرسوم روحانی نیستند و ثانیاً مضمون صحبت‌ها نیز هر چند به عزاداری امام حسین (علیه السلام) مربوط است، کاملاً سیاسی است.

نمونه ۲:

با نزدیک شدن ماه محرم شایع شده که روحانیون و علما تصمیم گرفته‌اند با استفاده از ایام محرم که روحیه مسلمانان حساس است عکس‌العمل‌هایی علیه دولت به وجود آورند. شایع است که روحانیون با مکاتباتی با روحانیون نجف تصمیم گرفته‌اند که در منابر روضه‌خوانی حداکثر استفاده را نموده و تا آنجا که ممکن است جریان قم را توضیح دهند. (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات ج ۲، ۱۳۷۸، ۱۹۴)

در نمونه‌ی بالا که عین متن گزارش داخلی ساواک مورخ ۱۵ / ۲ / ۴۲ است، تحلیل این سازمان از قصد نهاد روحانیت مبنی بر تغییر کارکرد «منبر» دیده می‌شود.

نمونه ۳:

... آقایان خمینی و شریعت‌مداری به طلابی که ایام مذکور به خارج می‌روند دستور داده‌اند که در منابر ترس نداشته باشید و بگویید دولت و شاه بی‌دین هستند و قرآن را می‌خواهند از بین ببرند همه مردم حتی ارتشی‌ها مستعد قیام هستند از زندان نترسید به مردم بگویید منتظر دستور علما باشند که دیگر تقیه نکنند و بر علیه دولت که قصد دارد فحشا را ترویج کند و بهایی‌ها را تقویت کند قیام کنند. هر چقدر بیشتر شما را آزار کنند، مظلومیت شما بیشتر جلوه خواهد کرد. وضع مدرسه‌ی فیضیه را بگویید و جریان را با شهادت حضرت سیدالشهداء و صحرای کربلا تطبیق نمایید. (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات ج ۲، ۱۳۷۸، ۲۱۸)

در نمونه‌ی بالا که عین متن نامه رئیس ساواک قم به رئیس ساواک تهران است و در تاریخ ۲۷ / ۲ / ۴۲ نوشته شده، مجدداً تحلیل تغییر کارکرد مجلس و عطا به مجلس سخنرانی سیاسی قابل مشاهده است.

علاوه بر این سه نمونه، باید به دو مورد بسیار مهم، توجه مجددی صورت گیرد. دو نمونه‌ای که در واقع هر دو جزء مهم‌ترین وقایع دهه‌ی اول محرم ۴۲ و جزء مهم‌ترین وقایع قرن اخیر تاریخ ایران محسوب می‌شوند. اولی سخنرانی شب عاشورای محمدتقی فلسفی در مسجد شیخ عبدالحسین بازار تهران است که فلسفی در این سخنرانی ضمن استیضاح ده ماده‌ای نخست‌وزیر از مردم خواست که در انتهای هر بند با سه بار گفتن عبارت «صحیح است» گفته‌های او را تأیید کنند. (فلاحی ۱۳۹۳، ۹۰) واضح است که چنین تغییری تا چه میزان سخنرانی او را از رویه‌ی مرسوم و عطا و خطابه (حتی خطابه‌های خود او) دور می‌کرد و دلالت‌های جدید ایجاد می‌نمود. نمونه‌ی دیگر که شاید مهم‌ترین اتفاق سیاسی چند قرن اخیر ایران باشد، سخنرانی امام خمینی در مدرسه‌ی فیضیه و در عصر روز عاشورا است. این سخنرانی به جز مضامین متهورانه‌اش که شاید برای نخستین بار بعد از ماجرای کودتای ۳۲ شخص اول مملکت را مورد شماتت قرار می‌داد از جهتی دیگر نیز تحول و تغییری معنادار در روال‌های متعارف و عطا و خطابه محسوب می‌شد: مطابق مرسوم مراجع تقلید، خود مراسم عزاداری برگزار می‌کردند و رده‌های پایین‌تر علمی به عنوان واعظ بالای منبر رفته و به ایراد خطابه می‌پرداخته‌اند. در حالی که در این مورد به خصوص خود امام خمینی که آیت الله بود و از مراجع تقلید محسوب می‌شد، بالای منبر رفته و در چارچوب مجلس عزاداری به ایراد سخنرانی

سیاسی پرداخته است. چنین تغییری نیز نشان از دگرگون شدن چارچوب‌های مرسوم در صورت‌بندی مجلس و عطا و خطابه در محرم سال ۴۲ دارد.

در خاتمه‌ی این بخش، قسمت‌هایی از گزارش داخلی ساواک مورخ ۱۴ / ۳ / ۴۲ که تا حدی جامع بسیاری از دگرگونی‌هایی است که در پژوهش حاضر به آن‌ها اشاره شد، ذکر می‌شود:

گزارش اطلاعات داخلی ساواک

تاریخ: ۱۴ / ۳ / ۴۲

موضوع: عزاداری

اطلاعات واصله از منابع مختلف حاکیست وضع عزاداری در سال جاری در ایران بسیار بی‌سابقه و در دستجات و مجالس روضه‌خوانی تعداد زیادی جمعیت شرکت می‌کرد که شاید در ده سال اخیر بی‌سابقه بود بخصوص در روزهای ۹ و ۱۰ محرم شب و روز دستجات با جمعیت خیلی زیاد در حرکت بودند و اغلب مجالس عمومی و بزرگ مسجد ترکها - مسجد حاج ابوالفتح - مسجد فخریه - منزل بهبهانی - حسینیه حاج سید آقا جواهری خیابان سیروس و مجالس دیگر بدولت و هیئت حاکمه حمله میشد و عکس خمینی و اعلامیه‌های او که خطاب به وعاظ صادر کرده بود و همچنین اعلامیه آیت الله میلانی و سایر علماء تبعه او زیاد میان مردم منتشر شد ... و در دستجات روزهای ۹ و ۱۰ و شبهای تاسوعا و عاشورا بروی تمام پرچم‌ها و کتل‌ها عکسهای خمینی نصب بود و طبق تحقیق در حدود یکصد و پنجاه هزار نفر در دستجات البته در تمام تهران شرکت می‌کردند و نوحه‌هایی سروده بودند که پشتیبانی از خمینی بود. دسته طیب حاج رضائی که شب عاشورا حرکت می‌کردند و در حدود پنج هزار نفر جمعیت در آن شرکت داشت و شعارهایی بنفع خمینی میدادند دسته‌ای که در حدود ده هزار نفر شرکت کننده داشت از مسجد حاج ابوالفتح - و میدان شاه حرکت کرده و تا جلوی دانشگاه رفت و مراجعت کرد و شعار و نوحه آن‌ها همه بنفع خمینی بود شعارها عموماً علیه هیئت حاکمه باین مضمون که خداوند ریشه مخالفین مذهب را بکند و نیز بنفع خمینی بود و در حقیقت شعار خمینی - عکس خمینی - نام خمینی سمبل و شعار اصلی مخالفین بود و نباید نادیده گرفت که بخصوص دسته‌ای که از مسجد حاج ابوالفتح حرکت و طبق تحقیقی بعمل آمد کارگردانی آنرا اعضاء نهضت آزادی جبهه ملی و عمال آیت الله بهبهانی و سایر روحانیون مشترکاً بر عهده داشته مراسم عزاداری آن‌ها از

سینه زنی تبدیل به نوحه خوانی وضع مملکت و دموستراسیون شد ... (مرکز
بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات ج ۲، ۱۳۷۸، ۳۸۹ - ۳۹۱)

نتیجه‌گیری

ایجاد تغییرات در مناسک مذهبی و آیینی مردم امری بسیار طبیعی است. اما غالباً این تغییرات بطیء و خودجوش است. این شرایط در خصوص مراسم مذهبی عزاداری محرم نیز مصداق دارد و مردمی که گرایش به برگزاری چنین مراسمی دارند، کمتر به نهادهای بیرونی اجازه ایجاد دگرگونی در کیفیت برگزاری مراسم عزاداری را می‌دهند. اما در محرم سال ۴۲، وضعیت سیاسی کشور به گونه‌ای شد که فرصتی خاص در اختیار نهاد روحانیت و به طور خاص امام خمینی به عنوان یکی از مراجع تقلید قرار گرفت. امام خمینی در این فرصت توانست مطابق با برداشت خود از اندیشه‌ی سیاسی تشیع، تغییرات اساسی در درونمایه و صورت‌بندی مجالس عزاداری ایجاد نماید.

در زمینه‌ی درونمایه وی با بهره‌گیری از ابزارهایی که در اختیار داشت، توانست استعاره‌ی «شاه یزید زمان است» را به مهم‌ترین موضوع سخنرانی‌ها، دست‌رویه‌ها، سینه‌هزانی و سایر گونه‌های عزاداری تبدیل کند. در این استعاره ظلم و فساد و اسلام ستیزی پهلوی دوم با ظلم و فساد و اسلام ستیزی حاکمان صدر اسلام و به طور خاص یزیدبن معاویه، یکسان انگاری شده و طبعاً طبقه‌ی مبارز و روحانیت نیز با امامان شیعه و به طور خاص امام حسین علیه السلام یکسان انگاری می‌شدند.

در زمینه‌ی صورت‌بندی نیز، با هدف تبیین محکم‌تر درونمایه‌ی مورد نظر تغییراتی بدین شرح در

فرم عزاداری صورت گرفت:

- تغییر دسته به تظاهرات

- تغییر نوحه به شعار

- تغییر پرچم و علامت به پلاکارد

- تغییر خطابه به سخنرانی

ذکر این نکته در پژوهش حاضر بسیار کلیدی است که زمانی که اصطلاح «تغییر» عنوان می‌شود، به هیچ روی بدان معنا نیست که دسته‌ی عزاداری هویت خود را از دست داده باشد و به تظاهرات تبدیل شده باشد یا دیگر نوحه وجود نداشته باشد و شعار جای آن را گرفته باشد بلکه تغییر در این مورد، نوعی دگرگونی فرمی بدون از میان رفتن فرم اصلی است. بنابراین در بررسی عزاداری‌های سیاسی محرم سال ۴۲، کماکان «عزاداری» است که مورد تحقیق قرار می‌گیرد و اهمیت

پژوهش حاضر نیز دقیقاً از همین نقطه نشأت می‌گیرد. به بیان دیگر، یکی از ضعف‌های ادبیات پژوهش تاریخی در دوره‌ی مورد نظر، داشتن نگاه صرفاً سیاسی به مراسم محرم سال ۴۲ و سال‌های دیگر منتهی به انقلاب سال ۱۳۵۷ است که مانع از پرداختن به بعد صورت‌بندی مراسم مذکور می‌شود.

به صورت خلاصه می‌توان نتیجه گرفت که نوع نگاه خاص امام خمینی و برخی دیگر از روحانیون به اندیشه‌ی سیاسی شیعه، منجر به ایجاد تغییرات درونمایه‌ای و صورت‌بندی در عزاداری محرم در سال ۴۲ شد.

منابع

۱. احمدی کرچ، سیدعباس، و مسعود جاسم نژاد. 1394. *از نجف تا قم: ژئوپلیتیک اندیشه‌ی سیاسی شیعه*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲. الگار، حامد. ۱۳۶۰. *انقلاب اسلامی در ایران*. تهران: قلم.
۳. الگار، حامد. ۱۳۹۶. *دین و دولت در ایران: نقش علما در دوره قاجار*. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: توس.
۴. مرکز اسناد انقلاب اسلامی. 1382. *انقلاب اسلامی به روایت خاطره*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۵. ایمان، محمدتقی. ۱۳۹۳. *روش‌شناسی تحقیقات کیفی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۶. آبراهامیان، یرواند. ۱۳۷۷. *ایران بین دو انقلاب*. ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی. تهران: نی.
۷. باقری، علی. 1375. *خاطرات 15 خرداد ج ۳*. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
۸. ---. 1378. *خاطرات 15 خرداد ج ۷*. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
۹. تقی‌زاده داوری، محمود. 1386. *سنت عزاداری و منقبت‌خوانی در تاریخ عزاداری شیعه*. قم: مؤسسه شیعه‌شناسی.
۱۰. توکلی‌بنا، ابوالفضل. 1383. *خاطرات ابوالفضل توکلی‌بنا*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۱. جعفریان، رسول. 1389. *جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران (از روی کارآمدن*

محمدرضا شاه تا پیروزی انقلاب اسلامی) سالهای ۱۳۲۰-۱۳۵۷. تهران: خانه کتاب.

۱۲. حکیمی، محمدرضا، بی‌تا. تفسیر آفتاب. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۳. خالقی‌نژاد، امیرحسین. ۱۳۹۰. نقش سیاسی علمای شیعه در عصر قاجار. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۱۴. خمینی، روح‌الله. ۱۳۷۸. صحیفه امام؛ مجموعه آثار امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۵. ---. ۱۳۸۵. قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۶. سلیمی، حشمت‌الله. ۱۳۸۶. مبارزات روحانیون و وعاظ به روایت اسناد. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۷. عراقی، مهدی. ۱۳۷۰. ناگفته‌ها. تهران: رسا.
۱۸. عنایت، حمید. ۱۳۷۲. اندیشه سیاسی در اسلام معاصر. ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی. تهران: خوارزمی.
۱۹. غفاری‌هشجین، زاهد، علی مرشدی‌زاد، و هانیه خدادادی. ۱۳۹۱. «نقش هیئت‌های مذهبی شهر تهران در فرآیند پیروزی انقلاب اسلامی». دانش سیاسی ۱۶ (۲): ۶۳-۸۲.
۲۰. فقیه‌حقانی، موسی. ۱۳۸۴. «بررسی سیر تطور عزاداری از دوره‌ی پهلوی تا انقلاب اسلامی؛ مصاحبه با جناب آقای محمدعلی محمدعلی اسلامی». تاریخ معاصر ایران ۳۳: ۱۲۹-۱۶۰.
۲۱. ---. ۱۳۸۴. «محرم و انقلاب اسلامی در محاحبه با حاج سید اصغر رخ‌صفت». فصلنامه تاریخ معاصر ایران ۳۶: ۱۷۵-۱۹۳.
۲۲. فلاحی، اکبر. ۱۳۹۳. محرم و انقلاب اسلامی ایران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۳. مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات. ۱۳۷۸. قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد ساواک. ج ۲. تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
۲۴. ---. ۱۳۷۸. قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد ساواک. ج ۹. تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
۲۵. مطهری، مرتضی، بی‌تا. نهضت‌های اسلامی در صدساله اخیر. تهران: صدرا.
۲۶. مظاهری، محسن حسام. ۱۳۸۷. رسانه شیعه: جامعه‌شناسی آئین‌های سوگواری و هنیت‌های مذهبی در ایران با تأکید بر دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی؛ شرکت

چاپ و نشر بین الملل.

۲۷. مظفر، سیدمحمدحسین. ۱۳۶۸. تاریخ شیعه. با ترجمه محمدباقر حجتی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۲۸. منظورالاجداد، سیدمحمدحسین. ۱۳۸۰. «بزرگداشت حماسه حسینی در تهران عصر ناصری».

تاریخ اسلام ۱۶ (۵): ۱۶۷-۱۸۲.

۲۹. نقیب زاده، احمد، و وحید امانی زوارم. ۱۳۸۲. نقش روحانیت شیعه در انقلاب اسلامی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

